

Unemployment Risk Estimation and Adverse-selection in Coverage of Unemployment Insurance in Iran

Saeed Malek Al Sadati*

Nahid Cheshme Kasabani**

Abbas Khandan***

Abstract

Unemployment insurance is the most basic social security plan in the world. However, the problems of moral hazard and adverse selection have confined unemployment insurance to low-risk occupational groups. The coverage of unemployment insurance in Iran seems to be even less extensive. In 2017, According to the Statistics Center of Iran, only 2/5 % of the unemployed were covered by unemployment insurance. However, even with this limited coverage, unemployment insurance funds are exposed to financial difficulties. The presence of moral hazard among the Iranian unemployed, insured for unemployment, is well confirmed in the literature. They provide a negative association between unemployment benefits and unemployed incentives to return to the labor market.

They also found that unemployed workers with more statutory duration of unemployment benefits have less motivation to find new jobs. This study addresses the problem of adverse selection in the unemployment insurance plan neglected in the literature. So, we first estimate the unemployment risk in terms of incidence and duration of unemployment. Then, considering the relation between workers' risk of unemployment and their insurance coverage, we investigate adverse selection in the labor market.

The results confirm adverse selection in the Iranian insurance plan that forces insurance funds to exclude a broad group of employees, e.g., self-employed workers and labor forces who lack the skills necessary to get hired.

Keywords: Unemployment insurance, Adverse Selection, Unemployment risk, Unemployment duration, Insurance coverage.

Classification JEL: j68, j88, k31, j65.

* Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics, Ferdowsi University of Mashhad (corresponding author), msadati@um.ac.ir.

** PhD student in Economics, Faculty of Economics, Ferdowsi University of Mashhad, nahid.ghasabany@gmail.com.

*** Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, khandan.abbas@khu.ac.ir.

برآورد ریسک بیکاری و بررسی وجود کژگزینی در پوشش بیمه بیکاری در ایران^۱

سعید ملک الساداتی*

ناهید چشمه قصابانی**

عباس خندان***

چکیده

بیمه‌های بیکاری از جمله مهم‌ترین برنامه‌های تأمین اجتماعی در بسیاری از کشورها به‌شمار می‌روند. با وجود این، این بیمه‌ها به‌صورت بالقوه با مشکل کژمنشی و کژگزینی روبه‌رو بوده و از همین‌رو، اغلب بسیار دیرتر از دیگر انواع بیمه‌ها رواج یافته و ارائه آن همچنان به گروه‌های شغلی خاصی محدود است. اما به‌نظر می‌رسد در ایران مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعات دامنه پوشش شدیدتری دارد. تا آنجا که طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸ تنها ۲/۵ درصد بیکاران توانسته‌اند از بیمه بیکاری برخوردار شوند.

جالب آن است که همین سیستم موجود با این دامنه پوشش محدود نیز با مشکلات مالی روبه‌رو بوده و اکنون با زیان انباشته مواجه است. مطالعات تجربی پیشین وجود کژمنشی را در نظام بیمه بیکاری کشور به‌خوبی تأیید کرده و شواهد کافی مبنی بر گرایش مقررری‌بگیران بیمه بیکاری برای بازنگشتن به بازار کار را تا حداکثر مدت ممکن منعکس می‌کنند. با این توضیحات، مسئله کژگزینی در نظام بیمه بیکاری کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با برآورد ریسک بیکاری به‌لحاظ رخداد و مدت برای گروه‌های مختلف شغلی، سنی و دیگر مشخصه‌های جمعیتی، به بررسی وجود کژگزینی و کارآمدی سیستم فعلی بیمه بیکاری در پوشش این ریسک می‌پردازد.

نتایج این مطالعه از وجود کژگزینی در نظام بیمه بیکاری حکایت دارد و نشان می‌دهد که در واکنش به این مشکل مقررات بیمه بیکاری در ایران ناگزیر بسیاری از فعالیت‌ها و افراد را از جمله برخی مشاغل آزاد و بیکاران بدون سابقه شغلی به‌صورت گروهی از دامنه پوشش حذف کرده‌اند. این رویکرد منفعلانه که موجب شده بیش از ۹۷ درصد بیکاران از دایره پوشش سروز، بختند نشان از ناکارآمدی شدید و نیاز به اصلاح سیستم بیمه بیکاری ایران دارد.

واژگان کلیدی: بیمه بیکاری، کژگزینی، ریسک بیکاری، مدت بیکاری.

طبقه‌بندی JEL: J65, k31, j88, j68.

۱. این مقاله از طرح تحقیقاتی «الگوی بهینه بیمه بیکاری: اصلاحات مورد نیاز صندوق بیمه بیکاری ایران با تمرکز بر بازار کار» با حمایت مالی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی استخراج شده است.

msadati@um.ac.ir

nahid.ghasabany@gmail.com

khandan.abbas@khu.ac.ir

* استادیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

*** استادیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

۱. مقدمه

نیروی کار یکی از مهم‌ترین عوامل تولید بوده و بیکاری نشان‌دهنده ضعف اقتصاد در استفاده از منابع انسانی موجود است. البته پدیده بیکاری چون با انسان سروکار دارد، ابعاد آن از اقتصاد فراتر رفته و پیامدهای اجتماعی و سیاسی زیادی نیز دربر خواهد داشت و اتفاقاً به‌همین دلیل همواره حمایت از افرادی که به دلایل غیرارادی بیکار شده‌اند در قالب نظام رفاه و تأمین اجتماعی جزء سیاست‌های اصلی دولت‌ها بوده است (جعفری، ۱۳۸۵). در این راستا، یکی از ابزارهای اصلی بیمه بیکاری ریسک کاهش درآمد در دوران بیکاری را پوشش می‌دهد؛ اما مهم‌ترین چالش در پوشش بیمه بیکاری همان غیرارادی بودن بیکاری و توزیع نامتقارن اطلاعات این مشخصه پنهان^۱ بین فرد بیکار و بیمه‌گر است که به کژگزینی^۲ منجر خواهد شد.

منظور از کژگزینی شرایطی است که در آن افراد با ریسک بیکاری بالا یا موارد ارادی خروج از شغل، با سوءاستفاده از ناآگاهی بیمه‌گر تحت پوشش قرار می‌گیرند و درصد فراوانی آنها در پورتنفو بیمه‌گر بیشتر از درصد متناظر در جامعه می‌شود. به‌دیگرسخن، ناآگاهی بیمه‌گر باعث می‌شود پورتنفو آن به سمت افراد با ریسک بیکاری بالا و موارد ارادی خروج از شغل تورش^۳ یابد. به‌واسطه همین نگرانی بوده که در مقایسه با انواع دیگر بیمه‌ها، برنامه‌های بیمه بیکاری سابقه طولانی نداشته و رواج کمتری در میان کشورها دارند و تنها توسط دولت ارائه می‌شوند و از همه مهم‌تر اینکه به‌شکلی کاملاً محافظه‌کارانه دامنه پوشش آنها تنها به افراد مزدو حقوق‌بگیر شاغل محدود شده در حالی که بسیاری دیگر از جمله خوداشتغالان و همچنین بیکاران قبلاً غیرشاغل و جوانان از آن محرومند (پورعباس، ۱۳۸۶).

اگرچه این رویکرد محافظه‌کارانه در پوشش بیمه‌ای به‌طورکل برای همه برنامه‌های بیمه بیکاری در سرتاسر دنیا صادق است، اما به‌نظر می‌رسد در ایران دامنه پوشش بسیار محدودتر است. سیستم‌های بیمه بیکاری در ایران با دو محدودیت عمده مواجه‌اند: محدودیت نخست، این است که بیمه بیکاری تنها شکل سنتی کار یعنی بیمه‌شدگان اجباری را پوشش می‌دهد و بخش عمده نیروی کار که به‌صورت خوداشتغالی فعالیت می‌کنند، حرف و مشاغل آزاد، نیروی کار مستقل^۴ و کارفرمایان از آن محروم هستند (نعیمی و پرتو، ۱۳۹۳).

به‌گونه‌ای که طبق نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸ تنها ۴/۴۳ درصد از

1. Hidden attribute.

2. Adverse selection.

3. Bias.

4. freelancers

بیکاران قبلاً شاغل و ۲/۵ درصد از کل بیکاران از بیمه بیکاری استفاده می‌کنند که این نسبت برای بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب برابر ۱/۶، ۸ و ۲ بوده است. این نسبت چندان دور از ذهن نخواهد بود اگر بدانیم که کمتر از ۵۴ درصد شاغلان مزد و حقوق‌بگیر هستند و ۴۶ درصد دیگر به لحاظ قانونی از پوشش بیمه بیکاری محروم‌اند.

آمار سازمان تأمین اجتماعی نیز مؤید این موضوع است؛ به طوری که در سال ۱۳۹۸ صندوق بیمه بیکاری ۳۲ سال پس از تأسیس،^۱ تنها حدود ۲ درصد بیمه‌شدگان اجباری و ۱/۵ درصد کل بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی را تحت پوشش خود دارد.^۲ محدودیت دوم، این است که تنها افراد شاغل تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند و بیکاران قبلاً غیرشاغل و جوان از آن محروم هستند. این نیز یک محدودیت قابل توجه است؛ زیرا طبق نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸ بیش از ۱ میلیون و ۲۶۰ هزار نفر یا به عبارتی بیش از ۴۲ درصد از بیکاران فاقد سابقه شغلی بوده‌اند و به لحاظ قانونی نمی‌توانسته‌اند از بیمه بیکاری استفاده کنند.

این آمار و ارقام به روشنی نشان می‌دهد که سیستم سنتی بیمه بیکاری در پوشش بیکاری و ریسک کاهش درآمد ناشی از آن به شدت ناکارآمد بوده و طراحی الگویی جدید از بیمه بیکاری بسیار ضروری است. منظور از ناکارآمدی نرسیدن بیمه بیکاری ایران به هدفش یعنی پوشش ریسک است که برای بیش از ۹۵ درصد بیکاران در ایران این امر مصداق دارد؛ البته این محدودیت‌های قانونی با هدف جلوگیری از کژگزینی اتفاق افتاده و برای آن دلایلی منطقی زیادی ارائه شده از جمله عدم مشاهده ارادی یا غیرارادی بودن بیکاری شاغلان حرف و مشاغل آزاد، مشخص نبودن مدت زمان کاری قراردادهای پیمان و مشاغل فصلی یا عدم تقارن اطلاعات شدیدی که در مورد افراد بدون سابقه شغلی وجود دارد.

اما پرسش اصلی مقاله این است که آیا با وجود این محدودیت‌ها، بیمه بیکاری ایران توانسته جلوی کژگزینی را بگیرد؟ آیا با وجود این محدودیت‌ها، همچنان یک رابطه مثبت بین ریسک بیکاری افراد و برخورداری آنها از پوشش بیمه بیکاری وجود داشته و پوشش به سمت افراد با ریسک بالاتر تورش دارد؟ به این ترتیب و در راستای پاسخ به این سؤالات این مقاله به برآورد ریسک بیکاری افراد با ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و شغلی مختلف در میان نیروی کار ایران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ پرداخته و وجود کژگزینی در پوشش این ریسک را بررسی می‌کند. ریسک بیکاری خود دو جنبه ریسک وقوع بیکاری و ریسک تداوم بیکاری را در برمی‌گیرد. منظور از ریسک وقوع

۱. قانون بیمه بیکاری ایران در سال ۱۳۶۶ به صورت آزمایشی و در سال ۱۳۶۹ به صورت دائم به اجرا در آمد.
 ۲. در سال ۱۳۹۸ از مجموع ۹۹۲،۳۷۳،۰۱۴ نفر بیمه‌شده سازمان تأمین اجتماعی، ۲۶۷،۰۹۲،۶۰۹ نفر بیمه‌شده اجباری بوده و تنها ۴۶۰،۲۲۶ نفر تحت پوشش بیمه بیکاری قرار داشته‌اند.

بیکاری احتمال خروج از شغل یا بیکار شدن است و منظور از ریسک تداوم بیکاری، ریسک بیکار ماندن است که با متوسط مدت بیکاری در صورت خروج از شغل قابل اندازه‌گیری است. پاسخ به این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که مطالعات تجربی پیشین وجود کژمنشی را در نظام بیمه بیکاری کشور به خوبی تأیید کرده و شواهد کافی مبنی بر گرایش مقررری بگيران بیمه بیکاری برای بازنگشتن به بازار کار تا حداکثر مدت ممکن منعکس می‌کنند. اما به مسئله کژگزینی در نظام بیمه بیکاری کشور کمتر توجه شده است.

۲. ادبیات نظری

۲-۱. ملاحظات نظری

در مباحث اقتصاد خرد نئوکلاسیک، به‌طور مشخص، فرض اساسی وجود اطلاعات کامل بین عاملین اقتصادی درباره مشخصات کالای مورد معامله وجود دارد که ایده اصلی کارکرد دست نامرئی^۱ بازار است؛ اما چون در واقعیت، چنین فرضی برقرار نیست، تحلیل‌های قطعی^۲ در اقتصاد خرد تغییر یافت و نااطمینانی و عدم قطعیت جای آن را گرفت. در نبود اطلاعات کامل، بحث اطلاعات نامتقارن مطرح می‌شود. اطلاعات نامتقارن، به معنای توزیع متفاوت اطلاعات مرتبط بین عاملین اقتصادی است؛ به عبارتی، با فرض نامتقارن بودن اطلاعات بین طرفین اقتصادی نحوه شکل‌گیری بازار و رسیدن به تعادل در آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

آکرلوف اصل یادشده را با عنوان قانون لمون زیر سؤال برد و زیربنای مباحث اقتصاد خرد کلاسیک را با طرح اطلاعات نامتقارن بین عاملین اقتصادی در دنیای واقعی به چالش کشید. براساس نظریه آکرلوف،^۳ تعادلی که در شرایط اطلاعات نامتقارن در بازارها ایجاد می‌شود از نوع تعادل برابری عرضه و تقاضا نیست که در مباحث اقتصاد خرد نئوکلاسیک مطرح می‌شود. اقتصاددانان با تدوین الگوهایی در شرایط وجود اطلاعات نامتقارن نشان دادند که تعادل در این شرایط تحت کژگزینی^۴ و علامت‌دهی^۵ برقرار است؛ یعنی حالتی که یک طرف مبادله اقتصادی (فرد بیکار)، اطلاعات مفیدی در مورد ویژگی‌های خود از جمله ریسک خود دارد که وضعیت مالی بیمه‌گر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بیمه بیکاری که هدف از آن پوشش موارد غیرارادی بیکاری است آشکارا با این مشکل توزیع

1. Invisible Hand

2. Deterministic

3. Akerlof.

4. Adverse Selection.

5. Signaling.

نامتقارن اطلاعات بین فرد بیکار و بیمه‌گر روبه‌روست. کژگزینی در این حالت شرایطی است که ناآگاهی بیمه‌گر باعث می‌شود پورتنفو آن به‌سمت افراد با ریسک بیکاری بالا تورش یابد. به‌طور مشخص، مطالعات در زمینه رابطه بین ریسک و پوشش بیمه بیکاری، به دو دسته تقسیم می‌شوند. نظریات کژگزینی کلاسیک که رابطه مستقیم بین ریسک و پوشش بیمه را پیش‌بینی می‌کنند. در ردیف این نظریات، مقالات آرنات و استیگلitz^۱، روچایلد و استیگلitz^۲ و چیاپوری^۳ با ارائه فرض‌های مختلف، وجود رابطه مستقیم بین ریسک و پوشش بیمه را تأیید کردند. غالب ادبیات تحت نظریه‌های کژگزینی در بیمه بیکاری وجود رابطه مثبت بین پوشش بالاتر و سطح ریسک افراد را تأیید کردند. در کژگزینی افراد پرریسک، بیمه‌های سخاوتمندانه‌تر را انتخاب می‌کنند (چیاپوری و سالانی، ۲۰۰۰).

دسته دوم نظریاتی هستند که رابطه معکوس بین ریسک و پوشش بیمه‌ای افراد را پیش‌بینی کرده‌اند. همنوی^۴ (۱۹۹۰) نخستین فردی بود که رابطه معکوس بین پوشش بیمه و ریسک افراد را پیش‌بینی کرد. در این نظریه، نخست، رابطه مستقیم بین درجه ریسک‌گریزی و پوشش بیمه‌ای مطرح می‌شود و سپس با بیان رابطه معکوس بین ریسک‌گریزی و ریسک افراد، نتیجه گرفته می‌شود که رابطه معکوس بین ریسک و پوشش بیمه‌ای وجود دارد. در این باره می‌توان به مقالات جولین و همکاران^۵ (۲۰۰۱) و کوفوپولس^۶ اشاره کرد.

این مقاله به دنبال بررسی وجود کژگزینی در بیمه بیکاری ایران یا به عبارتی رابطه بین ریسک بیکاری افراد و پوشش آنهاست. ریسک به امکان وقوع هر اتفاق ناخوشایند گفته می‌شود و ریسک بیکاری خود دو جنبه ریسک وقوع بیکاری و ریسک تداوم بیکاری را دربرمی‌گیرد. منظور از ریسک وقوع بیکاری، احتمال خروج از شغل یا بیکارشدن است و منظور از ریسک تداوم بیکاری، ریسک بیکار ماندن است که با متوسط مدت بیکاری در صورت خروج از شغل قابل اندازه‌گیری است. می‌توان این مفاهیم را به صورت نظری با نگاه به جریان‌های ورود و خروج از بیکاری که در شکل ۱ به تصویر کشیده شده روشن‌تر توضیح داد.

درواقع، بیکاری یک وضعیت میانی بین عدم‌فعالیت و اشتغال است که ممکن است به دلایل مختلفی اتفاق بیفتد و درک آن نیز ناگزیر نیازمند شناخت تحرکات و تغییر وضعیت افراد در بازار

1. Arnott & Stiglitz.

2. Rothschild & Stiglitz.

3. Chiappori et al.

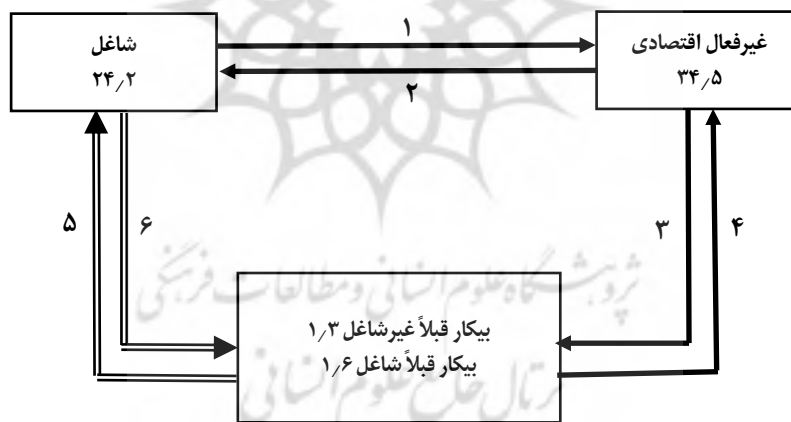
4. Hemenway

5. Jullien et al

6. Koufopoulos

کار است. نخست، یک جریان از شاغلان به گروه غیرفعالان اقتصادی وجود دارد که به طور عمده بازنشستگان را شامل می‌شود؛ دوم، یک جریان از افراد غیرفعال به شاغلان وجود دارد که به طور عمده شامل افرادی است که ورودی جدید بازار کار بوده‌اند و توانسته‌اند بلافاصله شغلی برای خود بیابند.

منظور از بلافاصله یافتن شغل طی مدتی کمتر از بازه آمارگیری است؛ یعنی اگر آمار وضع فعالیت افراد به صورت ماهانه باشد، این دسته از افراد در طی مدتی کمتر از یک ماه از وضعیت غیرفعال به شاغل درآمده‌اند. بسیاری دیگر از افرادی که به صورت موقت از کار اخراج می‌شوند و بدون جستجوی شغل پس از مدتی به همان شغل قبلی خود باز فراخوانده می‌شوند نیز در این نوع از جریان قرار می‌گیرند. اما جریان سوم افرادی است که از وضعیت غیرفعال درآمده و در جستجوی شغل هستند و مدت بیکاری آنها طولانی‌تر شده است و در جمع بیکاران دسته‌بندی شده‌اند. از میان بیکاران گروهی هستند که از یافتن شغل نومید شده و به جرگه غیرفعالان بازمی‌گردند و گروهی که پس از مدتی موفق به یافتن شغل می‌شوند و سرانجام برخی از شاغلین که به دلایل مختلف ممکن است شغل خود را از دست داده و بیکار شوند.



شکل ۱. جریان‌های بازار کار در میان افراد با وضع فعالیت مختلف، سال ۱۳۹۸ (ارقام به میلیون نفر)

این شکل نشان می‌دهد که جریان‌های زیادی وجود دارند که بر نرخ و جمعیت بیکاران تأثیرگذارند و نمی‌توان صرفاً با تکیه بر یک جریان در مورد بیکاری به طور کل قضاوت کرد. به عنوان مثال، یک گروه ممکن است احتمال خروج از شغل (جریان ۶) بالایی داشته باشد و در عین حال و

همزمان احتمال یافتن شغل برای آنها بیشتر (جریان ۵) و طول مدت بیکاری آنها نیز کمتر باشد و به این طریق نرخ بیکاری بالایی نداشته باشند. یا برعکس، گروه دیگر احتمال خروج از شغل (جریان ۶) کمی داشته باشند؛ اما احتمال یافتن شغل برای آنها کمتر (جریان ۵) و طول مدت بیکاری آنها نیز بیشتر باشد و به این طریق نرخ بیکاری بالایی داشته باشند. این مقاله تنها بر جریان ۵ و ۶ متمرکز است و تلاش می‌کند تا برآوردی از احتمال خروج از وضعیت شاغل به بیکار یا همان ریسک وقوع بیکاری و احتمال یافتن شغل یا همان ریسک طولانی شدن مدت بیکاری داشته باشد. در ادامه، برآورد این احتمالات این امکان را ایجاد خواهد کرد تا درباره این ریسک‌ها و رابطه آن با پوشش بیمه بیکاری بتوان داوری داشت.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در این بخش پژوهش‌های تجربی در حوزه اطلاعات نامتقارن و کژگزینی با توجه به مدل تحقیق به دو دسته تقسیم شده‌اند:

۲-۲-۱. ریسک بیکاری ناشی از احتمال خروج از شغل و احتمال بیکار ماندن

آلبانزه و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که با تعلق مزایای بیکاری، احتمال خروج از شغل تا ۱۲ درصد افزایش می‌یابد. این اثر توسط دیگر مطالعات از جمله پیترز^۲ (۲۰۱۹) نیز تأیید شده است. ربولوسانز^۳ (۲۰۱۲) نیز احتمال خروج از شغل را براساس انواع مختلف قراردادهای شغلی و دیگر متغیرهای جمعیتی برآورد کرده و بر تأثیر مثبت و افزایشی تعلق مزایای بیکاری بر احتمال خروج از شغل تأکید دارد. البته این اثر به هر دو سمت بازار یعنی کارفرمایان و کارگران نسبت داده شده است. در این مطالعه نشان داده شد که این اثر یعنی افزایش احتمال خروج از شغل در میان زنان و افراد با قراردادهای کاری موقت که موقعیت شغلی متزلزل‌تری دارند بیشتر است و در مقابل مردان و قراردادهای کاری بلندمدت‌تر با احتمال خروج از شغل کمتری روبه‌رو هستند.

در مطالعات تجربی که توسط اسکارپتا^۴ (۱۹۹۶)، تاتسیراموسو و وانورس^۵ (۲۰۱۴) انجام شده است، رابطه مثبت بین طول مدت بیکاری و دریافت بیمه بیکاری تأیید شده است. آنها نشان دادند که پرداخت بیمه بیکاری به فرد بیکار شده کاهش در شدت جستجوی شغلی را به دنبال خواهد داشت و

1. Albanese.

2. Pieters.

3. Rebollo-Sanz.

4. Scarpeta.

5. Tatsiramos and Ours.

این موضوع به نوبه خود می تواند طول دوره بیکاری را افزایش دهد. البته کلیندو و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، هولن^۲ (۱۹۷۷)، ارنبرگ و اوکساکا^۳ (۱۹۷۶) و آدیسون و بلک برن^۴ (۲۰۰۰) این طور می نویسند که بیمه بیکاری با وجود افزایش طول مدت بیکاری می تواند به بالا رفتن کیفیت پیشنهادات شغلی منجر شود به این علت که در دوره دریافت مقرری فرد این امکان را برای فرد فراهم می کند تا زمان کسب شغل مناسب صبر کند. اشمیدر و دیگران^۵ ۲۰۱۴ نیز رابطه مثبت بین طول مدت بیکاری و دریافت بیمه بیکاری را تأیید کرده است.

۲-۲-۲. ریسک بیکاری و پوشش بیمه ای

مطالعاتی هستند که رابطه مثبت بین پوشش بیمه بیکاری و تنها یک وجه از ریسک یعنی افزایش احتمال خروج از شغل را بررسی کرده اند. این رابطه مثبت بین پوشش بیمه بیکاری و افزایش احتمال خروج از شغل به دو دلیل می تواند اتفاق افتد: نخست به دلیل کژگزینی که افراد با ریسک بالا تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته اند و دوم به دلیل کژمنشی که افراد پس از اینکه مزایای بیکاری به آنها تعلق گرفت، راحت تر از شغلی که دارند دست می کشند. در ردیف این مطالعات می توان به مقاله داودی و همکاران (۱۳۹۸) نیز اشاره کرد که کژمنشی بدین معنا را بررسی کرده اند که افراد دارای بیمه های سخاوتمندانه معمولاً از مدت و مزایای بیشتری از بیمه بیکاری استفاده می کنند.

همچنین، در این راستا، داودی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی سیاست های حمایت از بیکاران پرداخته اند. لندایز و همکاران^۶ (۲۰۲۱) نخستین مطالعه ای است در حوزه بیکاری که این دو اثر (کژمنشی و کژگزینی) را از یکدیگر تفکیک کرده است. آنها در برآوردهای خود نشان دادند که احتمال بیکاری در کارگرانی که پوشش بیمه ای تکمیلی فراتر از مساعدت بیکاری پایه و همگانی را خریداری می کنند ۲/۳ برابر بیشتر است از کارگرانی که در سطح پوشش پایه مانده اند. این مقاله دو اثر کژگزینی و کژمنشی را از هم تفکیک کرده و نشان می دهد که حدود یک سوم این اتفاق به دلیل کژگزینی بوده و بیشتر آن به دلیل کژمنشی بوده است. ربولوسانز (۲۰۱۲) نیز به برآورد ریسک بیکاری پرداخته است، با وجود این، در مطالعه یادشده، تنها یک وجه ریسک بیکاری یعنی احتمال خروج از شغل مدنظر بوده است.

1. Caliendo et al.

2. Hoelen.

3. Ehrenberg and Oaxaca.

4. Addison and Blackburn.

5. Schmieder et al.

6. Landais et al.

با مروری بر مطالعات ملاحظه می‌شود مطالعات ابراهیم‌خانی (۱۳۹۴) و دشت‌بزرگی (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر بهینه‌سازی بیمه بیکاری را بررسی کرده‌اند. همچنین، تاج‌مزیانی و شیرین‌آبادی (۱۳۹۴) به بررسی چالش‌های رفاهی بیمه بیکاری در ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه پوشش ندادن جامع همه واجدین شرایط، عدم تعادل در ورودی و خروجی‌های صندوق بیمه بیکاری و پوشش ندادن همه نیازها مهم‌ترین چالش‌های برنامه بیمه بیکاری ایران ذکر شده است. در مطالعه مانی (۱۴۰۰) نیز، رابطه مخارج بیمه‌ای، صندوق بیمه بیکاری و رشد اقتصادی در ایران بررسی و تحلیل شده است.

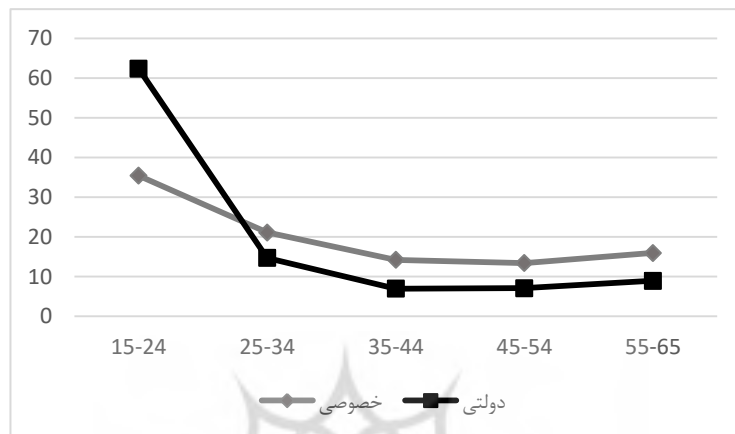
۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. داده‌ها و تحلیل آماری

در این مقاله از داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران استفاده شده است که مبتنی بر نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای به روش چرخشی از خانوارهای معمولی ساکن یا گروهی در نقاط شهری و روستایی کشور است. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ و حجم کل مشاهدات نزدیک به ۹۶۳ هزار نفر است که نسبتاً به‌طور متوازن در این سال‌ها توزیع شده‌اند. بررسی گروه‌های بهره‌مند از پوشش بیمه بیکاری، یکی از مواردی است که می‌تواند در تحلیل بازار کار و سیاست‌های بیمه بیکاری مفید باشد. به‌منظور ارائه تصویری بهتر از توزیع نسبی بیکاران قبلاً شاغل که تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند برحسب جنسیت و وضعیت شغلی می‌توان گفت که ۹۰ درصد جمعیت بیکاران مردان و ۵۲ درصد آنان متأهل هستند. همچنین از مجموع بیکاران ۶۸ درصد شاغل بخش خصوصی و ۱۳ درصد شاغل بخش دولتی بوده‌اند. بررسی ترکیب بیکاران در میان بخش عمده اقتصادی نشان می‌دهد که بخش خدمات با ۴۶ درصد بیشترین فراوانی بیکاران را به خود اختصاص داده است. پس از این بخش، بخش‌های صنعت و کشاورزی به ترتیب با ۳۴ و ۱۸ درصد در رتبه‌های بعدی از نظر تعداد بیکاران قرار دارند. در میان شاغلان اما ۸۶ درصد مرد، ۷۹ درصد متأهل و ۴۰ درصد شاغل بخش خصوصی بوده‌اند. سهم شاغلان بخش دولتی نیز ۱۷ درصد بوده است. بررسی افراد شاغل در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در طی دوره مورد بررسی، بخش خدمات با ۴۹ درصد بیش‌ترین سهم را در اشتغال به خود اختصاص داده است. بخش‌های صنعت با ۳۲ درصد و کشاورزی با ۱۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

در نمودار ۲ نرخ خروج از شغل به تفکیک وضعیت شغلی برحسب گروه سنی ۱۰ ساله ارائه شده است. مطابق با این نمودار با افزایش سن، میانگین نرخ خروج از شغل برای هر دو بخش خصوصی و دولتی کاهش پیدا کرده است. بیشترین نرخ خروج از شغل در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال و سپس

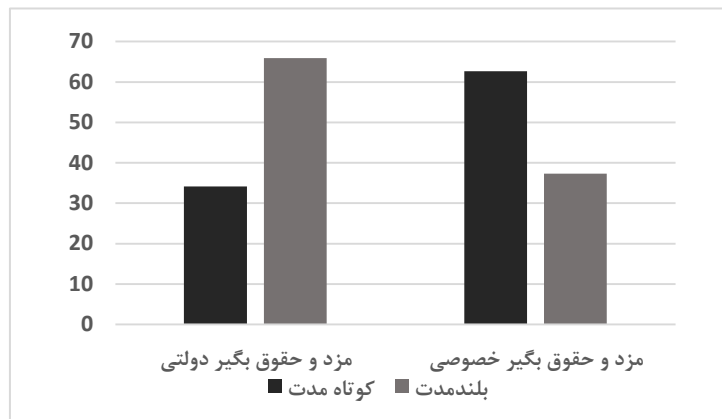
۲۵ تا ۳۴ سال است که این امر از آنجا ناشی می‌شود که معمولاً افراد با سابقه شغلی کمتر بیشتر در معرض تعدیل قرار دارند. مضاف بر این، در تمام گروه‌های سنی به جز رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، به طور میانگین، بخش دولتی نرخ خروج کمتری نسبت به بخش دولتی را تجربه کرده است.



نمودار ۲. متوسط نرخ خروج از شغل به تفکیک وضعیت شغلی برحسب گروه سنی

منبع: محاسبات تحقیق براساس اطلاعات طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

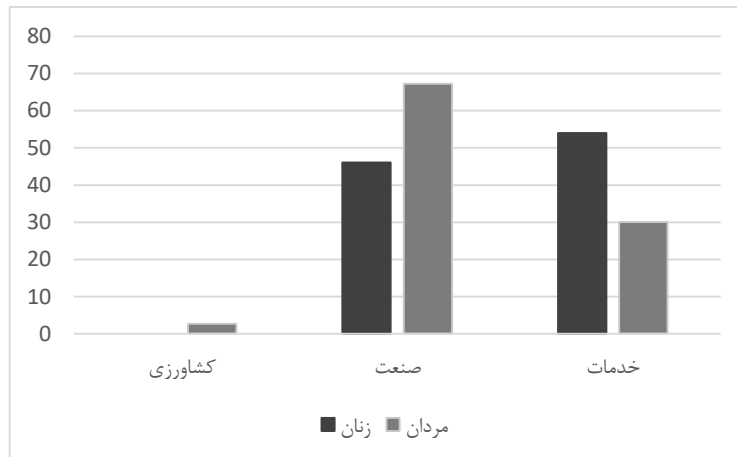
در نظریات اقتصادی طول مدت بیکاری به اندازه مسئله بیکاری قابل اهمیت است. طول مدت بیکاری به مدت زمان سپری شده که یک فرد بیکار شروع به جستجوی کار می‌کند تا زمان به دست آوردن شغل تعبیر می‌شود. بیکاری از لحاظ طول مدت آن، معمولاً به دو نوع تقسیم می‌شود: بیکاری کوتاه‌مدت و بیکاری بلندمدت. بیکاری با طول مدت تا ۶ ماه را بیکاری کوتاه‌مدت تعریف کرده‌اند و بیکاری با طول مدت ۱۲ ماه یا بیشتر را بیکاری بلندمدت (وین کلمن، ۲۰۱۴^۱). در نمودار ۳ طول مدت بیکاری افراد را به تفکیک مزد و حقوق بگیران دولتی و خصوصی به تصویر کشیده شده است. با وجود اینکه بخش خصوصی سهم بیشتری از اشتغال را به خود اختصاص داده است. طبق نمودار، ۶۳ درصد بیکاران قبلاً شاغل در بخش خصوصی دوره بیکاری کوتاه‌مدت را تجربه کرده‌اند؛ اما در مقابل حدود ۶۷ درصد از بیکاران قبلاً شاغل در بخش دولتی تجربه بیکاری بلندمدت را دارند. به عبارتی در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت یعنی کمتر از ۶ ماهه بیشترین توزیع بیکاران قبلاً شاغل متمایل به خصوصی است. در مقابل این بیکاران قبلاً شاغل در بخش دولتی هستند که دوره بیکاری بلندتری را نسبت به بیکاران قبلاً شاغل در بخش خصوصی می‌گذرانند.



نمودار ۳. طول مدت بیکاری بیکاران به تفکیک بخش دولتی و خصوصی

منبع: محاسبات تحقیق براساس اطلاعات طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

نمودار ۴، ترکیب فعالیتی افراد تحت پوشش بیمه بیکاری را در سال ۱۳۹۶ به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. همان‌طورکه ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۹۶، نزدیک به یک سوم مردان بیکار با پوشش بیمه بیکاری پیش از این در بخش خدمات و دو سوم آنان قبلاً در بخش صنعت اشتغال داشته‌اند. در این میان، بخش اندکی نیز در حدود ۲/۷ درصد قبل از بیکاری در بخش کشاورزی فعالیت داشته‌اند براساس نمودار موجود، بیش از نیمی از زنان مشمول بیمه بیکاری در سال ۹۶ در بخش خدمات، مقرری‌بگیر بیکاری بوده‌اند؛ و مابقی آنان نیز که بخش قابل توجهی است در بخش صنعت اشتغال داشته‌اند؛ بنابراین، این موضوع نشان می‌دهد افزون‌بر تبعیض جنسیتی دستمزد که در بازار نیروی کار ایران مورد تأیید است (چشمه قصابانی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹). از جنبه‌های غیردستمزدی همانند شکاف پوشش بیمه‌ای بین زنان و مردان نیز این مسئله حائز اهمیت است.



نمودار ۴. ترکیب فعالیتی افراد تحت پوشش بیمه بیکاری به تفکیک جنسیت در سال ۱۳۹۶

منبع: محاسبات تحقیق براساس اطلاعات طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران

۲-۳. روش پژوهش

برآورد الگو در دو گام صورت می‌پذیرد. گام نخست، شامل برآورد ریسک بیکاری با به کارگیری روش‌های مناسب طی دو مرحله است. در این مطالعه ریسک بیکاری احتمال از دست دادن شغل (ریسک وقوع بیکاری) و همچنین احتمال ناکامی در یافتن شغل پس از بیکاری (ریسک طولانی-شدن مدت) را دربردارد. با چنین منطقی، مقاله حاضر در برآورد ریسک بیکاری هم بر احتمال خروج از شغل و هم بر مدت بیکاری تمرکز دارد. بدین منظور ابتدا برای نمونه‌ای نزدیک به ۹۶۳ هزار نفر جمعیت فعال کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ با استفاده از یک رگرسیون لاجیت احتمال بیکاری به صورت تابعی از ویژگی‌های مختلف شغلی، سن، سواد، جنسیت، تجربه و ... برآورد شده است. همزمان در رگرسیون دیگری به روش حداقل مربعات معمولی، تأثیر این ویژگی‌ها بر مدت بیکاری برآورد شده است.

پس از برآورد ریسک بیکاری، مقاله به بررسی پرسش اصلی خود یعنی رابطه بین ریسک بیکاری و پوشش بیمه‌ای آن می‌پردازد. بدین منظور ابتدا برای نمونه افراد بیکار، ریسک بیکاری براساس ضرایب رگرسیون مرحله قبل محاسبه شده و پس از آن ارتباط این ریسک با برخورداری از پوشش بیمه بیکاری در قالب یک رگرسیون لاجیت بررسی می‌شود. در این رگرسیون وجود یک رابطه مثبت به معنی تورش در پوشش بیمه‌ای به سمت افراد پرریسک یا به عبارتی کژگزینی است. در این مرحله چون پوشش بیمه‌ای افراد یک متغیر باینری است از رگرسیون لاجیت برای بررسی ارتباط میان ریسک بیکاری (اعم از احتمال خروج از شغل و مدت بیکاری) و پوشش بیمه‌ای افراد استفاده می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو قسمت نخست برآوردهای ریسک بیکاری و دوم ارتباط بین ریسک بیکاری و پوشش بیمه‌ای یا بررسی وجود کژگزینی ارائه خواهد شد.

۴-۱. برآورد ریسک بیکاری

در این مقاله ریسک بیکاری دو جنبه ریسک وقوع بیکاری و ریسک تداوم بیکاری را در برمی‌گیرد. منظور از ریسک وقوع بیکاری احتمال خروج از شغل یا بیکار شدن است و منظور از ریسک تداوم بیکاری، ریسک بیکار ماندن است که با متوسط مدت بیکاری در صورت خروج از شغل قابل اندازه‌گیری است. این دو جنبه از ریسک بیکاری به‌صورت مجزا در ادامه برآورد خواهد شد.

۴-۱-۱. برآورد ریسک وقوع بیکاری (احتمال خروج از شغل)

نتایج برآورد احتمال خروج از شغل توسط رگرسیون لاجیت در جدول ۱ ارائه شده است که دربرگیرنده ضرایب تخمین‌زده شده و اثرات نهایی متغیرهای توضیحی براحتمال خروج از کار است. تمامی اثرات نهایی، در میانگین کل متغیرهای مستقل توضیحی، ساخته شده‌اند. برای متغیرهای مجازی نیز، اثر نهایی گزارش شده، به‌صورت تغییر در مقادیر پیش‌بینی شده مدل، تعریف شده است. براساس نتایج رگرسیون، طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ احتمال خروج از شغل در مردان ۴/۴ درصد بیشتر از زنان و در مناطق شهری ۰/۸ درصد بیشتر از مناطق روستایی است. در همین راستا، ضریب متغیر مجازی وضعیت تأهل، نیز با داشتن علامت منفی خود، مطابق انتظار، احتمال خروج از شغل در میان کارکنان متأهل را ۳/۳ درصد کمتر از کارکنان مجرد گزارش می‌نماید. افزایش تحصیلات به‌ازای هر یک سال ۰/۳ درصد احتمال خروج از شغل را کاهش و افزایش سن سالانه ۰/۲ درصد این احتمال را افزایش می‌دهد. مطابق با نتایج احتمال خروج از شغل در بخش صنعت ۱/۲ درصد بالاتر از بخش خدمات است. این در حالی است که اختلاف معناداری بین بخش کشاورزی و خدمات از نظر احتمال خروج از شغل وجود ندارد. اما در میان گروه‌های عمده شغلی بیشترین احتمال خروج متوجه مدیران و پس از آن کارگران ساده است. درحالی‌که به‌ترتیب متخصصین و فروشندگان با کمترین احتمال خروج از شغل مواجه هستند.

جدول ۱. نتایج برآورد احتمال خروج از شغل با استفاده از رگرسیون لاجیت

متغیر وابسته: وضعیت بیکاری (بیکار=۱ و شاغل=۰)			
اثر نهایی	انحراف معیار	ضریب	متغیر مستقل
	۰/۰۴۱	*-۴/۴۶	عرض از مبدأ
۰/۰۴۳	۰/۰۱۵	*۰/۷۵	مرد بودن
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۷	*۰/۰۴	سن
-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	*-۰/۰۵	تحصیلات
-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰۶	*-۰/۰۰۷	تجربه
۰/۰۰۸	۰/۰۰۰۹	*۰/۱۴	شهری بودن
۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	*۰/۱۴	بعد خانوار
-۰/۰۳۳	۰/۰۱۳	*-۰/۵۷	متاهل بودن
۰/۰۵۶	۰/۰۱۱	*۰/۹۷	مزد و حقوق‌بگیری بخش خصوصی
۰/۰۰۸	۰/۰۱۹	*۰/۱۴	مزد و حقوق‌بگیری بخش دولتی
۰/۱۶	۰/۰۳۰	*۲/۷۸	مدیران عالی‌رتبه
۰/۰۲۸	۰/۰۳۲	*۰/۴۹	متخصصین
۰/۰۳۸	۰/۰۳۱	*۰/۶۶	تکنسین‌ها
۰/۰۳۶	۰/۰۳۳	*۰/۶۳	کارمند اداری
۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	*۰/۴۸	کارمند فروش
۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	*۰/۵۶	صنعتگران
۰/۰۳۲	۰/۰۲۵	*۰/۶۰	متصدیان ماشین‌الات
۰/۰۵۷	۰/۰۲۴	*۰/۹۹	کارگران ساده
۰/۰۰۰۵	۰/۰۱۱	*۰/۰۱	کشاورزی و ماهیگیری
۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	*۰/۲۰	صنعت
-۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۹	*-۰/۰۳	استان‌های پرجمعیت
۰/۰۰۰۵	۰/۰۱۴	*۰/۰۱	استان‌های کم‌جمعیت
	۹۶۲۹۷۰		مشاهدات
	۰/۱۵		ضریب تعیین

* معنادار بودن در سطح اطمینان ۹۵ درصد
منبع: برآوردهای تحقیق

ضرایب حاصل از برآورد رگرسیون یادشده، این امکان را فراهم می‌کند که احتمال خروج از شغل را برای هر فرد نوعی در نمونه با استفاده از اطلاعات مربوط به خصوصیات شغلی و جمعیتی وی محاسبه نماییم. داشتن چنین سنجه‌ای از ریسک بیکاری افراد و به تبع آن گروه‌های مختلف شاغلان، ابزار مؤثری است که می‌تواند در تدوین مقررات و سیاست‌های ناظر بر بیمه بیکاری برای سیاست‌گذاران راهگشا باشد. جدول ۲ با تجمیع احتمال خروج از شغل برآورد شده برای هر یک از افراد نمونه، میانگین این احتمال را برای برش‌های مختلف نیروی کار ارائه می‌نماید.

جدول ۲. میانگین احتمال خروج از شغل در گروه‌های مختلف نیروی کار (اعداد به درصد)

گروه	احتمال خروج از شغل	گروه	احتمال خروج از شغل
زنان	۴/۵۸	مدیران عالی‌رتبه	۲۶/۱۶
مردان	۶/۷۱	متخصصین	۲/۸۱
مشاغل آزاد	۲/۴۷	تکنسین‌ها	۵/۱۰
مشاغل مزد و حقوق‌بگیر دولتی	۵/۰۱	کارمند اداری	۵/۱۱
مشاغل مزد و حقوق‌بگیر خصوصی	۱۰/۸۹	کارمند فروش	۴/۹۷
بخش صنعت	۶/۸۶	صنعتگران	۶/۸۰
بخش کشاورزی	۶/۲۹	متصدیان ماشین‌آلات	۴/۸۱
بخش خدمات	۶/۱۸	کارگران ساده	۱۱/۵۶
مناطق روستایی	۵/۹۳	مناطق شهری	۶/۷۰

منبع: برآوردهای تحقیق

۴-۱-۲. برآورد ریسک تداوم بیکاری (احتمال بیکار ماندن)

مدت زمان بیکاری سنجه دیگری از ریسک بیکاری در بازار کار است که بر احتمال بیکار ماندن فرد دلالت دارد. از آنجاکه برخلاف خروج از شغل، مدت بیکاری متغیری پیوسته است، در تحلیل عوامل مؤثر بر آن از رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شده است؛ بنابراین تلاش بر این است تا تأثیر ویژگی‌های شغلی، سنی، جنسی و... نیروی کار بر طول مدت بیکاری وی شناسایی و تحلیل شود. جدول ۴ نتایج این رگرسیون را ارائه می‌دهد. مطابق با این نتایج، درحالی‌که مردان با احتمال خروج از شغل بالاتری مواجه هستند، طول دوره بیکاری آنها ۱/۸ ماه کمتر از زنان است. سپردن مسئولیت تأمین معاش زندگی به آقایان از طرف سنت و فرهنگ جامعه، می‌تواند دلیل اصلی کوتاه بودن طول بیکاری مردان نسبت به زنان باشد.

برای افراد مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی نیز وضعیت مشابه است. درحالی‌که احتمال خروج از شغل این افراد در مقایسه با افراد شاغل (قبلاً شاغل) در مشاغل آزاد ۵/۶ درصد بالاتر است، طول مدت بیکاری آنها در حدود ۲ ماه کمتر از مشاغل آزاد است. در میان گروه‌های عمده شغلی، کمترین طول مدت بیکاری به کارگران ساده و مدیران عالی‌رتبه اختصاص دارد و بیشترین طول مدت بیکاری به کارمندان اداری و متخصصان مربوط می‌شود. در همین راستا، ضریب متغیر وضعیت تأهل با داشتن علامت منفی، طول مدت بیکاری کمتر در میان افراد متأهل را نسبت به افراد مجرد تأیید می‌کند. این موضوع با در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از وضعیت تأهل (هزینه همسر، فرزندان و تغییر الگوی زندگی) قابل توجیه است. طول دوره بیکاری افراد متأهل ۷/۶ ماه کمتر از افراد مجرد است.

براساس نتایج یادشده، درحالی‌که در بخش صنعت، طول دوره بیکاری در مقایسه با بخش

خدمات کوتاه‌تر است، به لحاظ آماری اختلاف معناداری بین مدت بیکاری در بخش کشاورزی و خدمات وجود ندارد. همچنین، نتایج رگرسیون از رابطه مثبت میان احتمال خروج از شغل و طول مدت بیکاری حکایت دارد؛ به گونه‌ای که در ازای هر یک درصد افزایش در احتمال خروج از شغل، طول مدت بیکاری به اندازه ۱۵/۸۰ ماه افزایش می‌یابد.

جدول ۳. نتایج برآورد مدت بیکاری با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی

متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار
عرض از مبدأ	-۰/۳۱	۰/۴۴
مرد بودن	-۱/۱۱	۰/۱۹
سن	۰/۴۰	۰/۰۱
تحصیلات	۰/۱۵	۰/۰۱۴
تجربه	-۰/۰۲۴	۰/۰۰۱
شهری بودن	۰/۵۲	۰/۰۹۸
بعد خانوار	-۰/۱۵	۰/۰۵۲
متاهل بودن	-۰/۷۶	۰/۱۵
مزد و حقوق‌بگیری بخش خصوصی	-۲/۰۲	۰/۱۵
مزد و حقوق‌بگیری بخش دولتی	۲/۳۷	۰/۲۴
مدیران عالی‌رتبه	-۲/۲۶	۰/۵۸
متخصصین	۱/۷۷	۰/۳۳
تکنسین‌ها	۰/۷۵	۰/۳۳
کارمند اداری	۲/۱۰	۰/۳۵۷
کارمند فروش	۱/۰۹	۰/۲۷۳
صنعتگران	-۰/۳۳	۰/۰۹۹
متصدیان ماشین‌الات	-۰/۲۳	۰/۲۷
کارگران ساده	-۳/۳۰	۰/۲۷
کشاورزی و ماهیگیری	-۰/۰۶	۰/۱۱۴
صنعت	-۰/۳۳	۰/۰۹۹
استان‌های پرجمعیت	-۰/۳۲	۰/۰۹۷
استان‌های کم‌جمعیت	-۰/۳۰	۰/۱۴۹
احتمال خروج از شغل	۱۵/۸۰	۱/۲۶
مشاهدات	۶۶۶۶۳	
ضریب تعیین	۰/۱۳۷	

* معنادار بودن در سطح اطمینان ۹۵ درصد
منبع: برآوردهای تحقیق

۴-۲. بررسی وجود کژگزینی در پوشش بیمه بیکاری

وجود عدم تقارن اطلاعات به عنوان چالش اصلی پیش روی نظام بیمه بیکاری، صندوق های بیمه ای را بر آن داشته است تا از طریق سیاست های محافظه کارانه همچون محدود کردن پوشش بیمه بیکاری و نیز استفاده از سازوکارهای رتبه بندی ریسک بیکاری نیروی کار، مشکل کژگزینی را کنترل پذیرتر کنند. اما در ایران توجه سیاست گذار برای مواجهه با زیان ناشی از عدم تقارن اطلاعات، به طور عمده، معطوف به تنظیم دامنه پوشش بیمه بیکاری بوده است و ارزیابی ریسک بیکاری نیروی کار کمتر مبنای تنظیم سیاست های بیمه بیکاری قرار گرفته است. پیش از این گفته شد که طبق رویه موجود در کشور دامنه پوشش بیمه بیکاری بسیار محدود است و بخش عمده ای از نیروی کار شامل مشاغل آزاد و بیکاران بدون سابقه شغلی همچنان از داشتن پوشش بیمه بیکاری محروم هستند.

اما این بخش از مقاله به دنبال بررسی این است که آیا این سیاست موفق بوده یا برعکس عدم توجه به ارزیابی ریسک بیکاری نیروی کار، تشدید مشکل کژگزینی را به دنبال داشته است. بدین منظور در ادامه با استفاده از یک رگرسیون لاجیت، ارتباط میان ریسک بیکاری (اعم از احتمال خروج از شغل و مدت بیکاری) و پوشش بیمه ای افراد بررسی شده است. نتایج این رگرسیون مطابق با جدول ۴ نشان می دهد که ارتباطی مستقیم میان ریسک بیکاری چه به لحاظ احتمال بیکار شدن و چه به لحاظ احتمال بیکار ماندن با پوشش بیمه ای نیروی کار وجود دارد. این بدان معناست که افراد با ریسک بیکاری بالاتر، از احتمال بیشتری برای حضور در میان بیمه شدگان صندوق بیمه بیکاری برخوردارند و براساس این صندوق بیمه بیکاری با مشکل کژگزینی مواجه است. مطابق با نتایج این رگرسیون، احتمال برخورداری از پوشش بیمه بیکاری در مردان، ۰/۱ درصد بیش از زنان، در نیروی کار شهری ۱/۱ درصد بیش از نیروی کار روستایی، در افراد متأهل ۳/۷ درصد بالاتر از افراد مجرد است. افزون بر این، پوشش بیمه بیکاری با افزایش تحصیلات و تجربه نیروی کار افزایش و با زیاد شدن سن کاهش می یابد. کارمندان اداری از بیشترین احتمال در اختیار داشتن پوشش بیمه بیکاری برخوردارند که از این نظر پس از آنها متصدیان ماشین آلات قرار دارند.

جدول ۴. نتایج برآورد پوشش بیمه بیکاری با استفاده از رگرسیون لاجیت

متغیر وابسته: وضعیت پوشش بیمه بیکاری (دارای پوشش=۱ و فاقد پوشش=۰)			
متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار	اثر نهایی
عرض از مبدأ	-۶/۱۲	۰/۲۸	
مرد بودن	۰/۰۳۹	۰/۱۰۳	۰/۰۰۱
سن	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۰۱

متغیر وابسته: وضعیت پوشش بیمه بیکاری (دارای پوشش=۱ و فاقد پوشش=۰)			
متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار	اثر نهایی
تحصیلات	۰/۰۸۷*	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳
تجربه	۰/۰۰۴*	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱
شهری بودن	۰/۳۵۵*	۰/۰۵۷	۰/۰۱۱
بعد خانوار	-۰/۴۸۷*	۰/۰۲۸	-۰/۰۱۵
متاهل بودن	۱/۱۹*	۰/۰۹۳	-۰/۰۳۷
مدیران عالی‌رتبه	-۱/۶۳*	۰/۳۰۱	-۰/۰۵۱
متخصصین	۰/۹۳*	۰/۲۱۳	-۰/۰۲۹
تکنسین‌ها	۰/۷۰*	۰/۲۱۵	-۰/۰۲۲
کارمند اداری	۱/۴۱*	۰/۲۱۳	-۰/۰۴۵
کارمند فروش	۰/۵۸*	۰/۲۰	-۰/۰۱۸
صنعتگران	۰/۷۵*	۰/۱۹۵	-۰/۰۲۳
متصدیان ماشین‌الات	۱/۰۷*	۰/۱۹۶	-۰/۰۳۴
کارگران ساده	-۰/۳۰*	۰/۲۰۱	-۰/۰۵۷
کشاورزی و ماهیگیری	-۰/۰۲۸*	۰/۰۵۹	-۰/۰۰۹
صنعت	-۰/۱۷۵*	۰/۰۵۰	-۰/۰۰۵
استان‌های پرجمعیت	۰/۱۰۰*	۰/۰۵۲	-۰/۰۰۳
استان‌های کم‌جمعیت	۰/۲۴۳*	۰/۰۷۱	-۰/۰۰۸
احتمال خروج از شغل	۶/۸۹*	۰/۶۰۴	۰/۲۲
مدت بیکاری	۰/۰۰۳**	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۱
مشاهدات		۶۶۶۶۳	
ضریب تعیین		۰/۱۰۸	

* معنادار بودن در سطح اطمینان ۹۵ درصد،
 ** معنادار بودن در سطح اطمینان ۹۰ درصد
 منبع: برآوردهای تحقیق

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، برآورد ریسک بیکاری در ایران و بررسی وجود کژگزینی در پوشش بیمه‌ای آن است. بدین منظور با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ نخست ریسک وقوع و تداوم بیکاری برآورد شده است و پس از آن ضمن ارزیابی پوشش بیمه بیکاری، ارتباط آن با ریسک بیکاری تحلیل شد. یک ارتباط مثبت بین پوشش بیمه بیکاری با میزان ریسک بیکاری نشان‌دهنده وجود کژگزینی است. در واقع، وجه تمایز این مطالعه از پژوهش‌های پیشین است که تنها به کژمنشی می‌پرداختند و کژگزینی اغلب نادیده گرفته می‌شد. نکته مهم و متمایز دیگر این مطالعه آن است که به دو وجه مختلف ریسک بیکاری توجه دارد؛ بدین صورت که افزون بر احتمال خروج از شغل که ناظر بر ریسک بیکار شدن است، طول مدت بیکاری به معنای احتمال بیکار ماندن را نیز در نظر می‌گیرد.

براساس نتایج این مطالعه، در بازار کار ایران مردان در مقایسه با زنان، با ریسک بالاتری برای بیکار شدن (خروج از کار) و درعین حال ریسک کمتری برای بیکار ماندن (مدت بیکاری) مواجه هستند. مشاغل مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی در مقایسه با مشاغل آزاد، با ریسک بالاتری برای خروج از کار و ریسک پایین تری به لحاظ مدت بیکاری روبه‌رو هستند. این در حالی است که مشاغل مزد و حقوق بگیر بخش دولتی در مقایسه با مشاغل آزاد هم احتمال بالاتری در خروج از شغل و هم از احتمال بیشتری در بیکار ماندن دارند. اما در میان گروه‌های عمده شغلی مدیران و پس از آن کارگران ساده از بیشترین احتمال خروج و همزمان کمترین مدت بیکاری برخوردارند.

پس از برآورد ریسک بیکاری، این مقاله به بررسی پوشش بیمه‌ای آن و وجود کژگزینی پرداخت. آمارهای اولیه از گستره محدود پوشش دهی نیروی کار توسط صندوق بیمه بیکاری حکایت دارد؛ به گونه‌ای که طبق نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸ تنها ۲/۵ درصد از کل بیکاران از بیمه بیکاری استفاده می‌کنند. این محدودیت نتیجه سیاستی محافظه‌کارانه در مقابله با مسئله کژگزینی است که به موجب آن قشر بزرگی از بیکاران که خوداشتغالی داشته‌اند یا بیکاران قبلاً غیرشاغل و جوان به دلیل عدم تقارن اطلاعات به صورت قانونی از پوشش بیمه بیکاری محروم شده‌اند. از آنجایی که هدف اولیه بیمه پوشش ریسک است، قطعاً پایین بودن ضریب پوشش از ناکارآمدی این سیستم در ایران به‌ویژه در پوشش ریسک مشاغل آزاد حکایت دارد.

اما یافته مهم این پژوهش آن است که با وجود محروم ماندن بخش وسیعی از نیروی کار به‌ویژه در مشاغل آزاد از حمایت بیمه بیکاری، صندوق بیمه بیکاری در ایران همچنان با مشکل کژگزینی مواجه است؛ به گونه‌ای که افراد با احتمال خروج از شغل و نیز افراد با دوره بیکاری طولانی‌تر از شانس بالاتری برای برخورداری از این پوشش بهره‌مند هستند. این بدان معناست که رویکرد منفعلانه موجود در نظام بیمه بیکاری کشور با اینکه بیش از ۹۷ درصد بیکاران را به بهانه عدم تقارن اطلاعات از دایره پوشش بیرون گذاشته همچنان نتوانسته از مشکل کژگزینی بکاهد که این امر ضرورت اصلاح سیستم بیمه بیکاری ایران و بازنگری سیاست‌های موجود را بیش از پیش نمایان می‌کند.

تدوین و پیاده‌سازی نظام سنجش ریسک بیکاری نیروی کار نخستین گام در مسیر این اصلاحات است که امکان ارزیابی درجه ریسک افراد اعم از احتمال خروج از شغل یا احتمال ناتوان ماندن در یافتن شغل جدید پس از بیکاری را فراهم می‌کند. بازنگری سیاست‌های بیمه بیکاری به لحاظ مبلغ مقرری و مدت دریافت آن و متناسب ساختن این سیاست‌ها با درجه ریسک افراد گام دیگری است که برای کاهش مشکل کژگزینی می‌تواند در دستور کار بیمه بیکاری قرار بگیرد.

منابع

۱. ابراهیم‌خانی، محسن (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر بهینه‌سازی بیمه بیکاری در سازمان تأمین اجتماعی»، اخبار تأمین اجتماعی، شماره ۲، صص ۲۹۲-۳۲۳.
۲. پورعباس، یعقوب (۱۳۸۶)، «نظام حقوقی بیمه بیکاری ایران»، فصلنامه قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، شماره ۶، صص ۸۴-۹۸.
۳. تاج‌زینانی، علی‌اکبر و علی‌شیرین‌آبادی (۱۳۹۴)، «چالش‌های برنامه رفاهی بیمه بیکاری در ایران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۹۳-۱۲۴.
۴. جعفری، زهرا (۱۳۸۵)، «مشمولین بیمه بیکاری و شرایط برخورداری از مزایای آن»، فصلنامه قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، شماره ۴، صص ۷۸-۱۰۰.
۵. چشمه‌قصابانی، ناهید؛ سعید ملک‌الساداتی و علی‌اکبر ناجی‌میدانی (۱۳۹۹)، «شکاف جنسیتی دستمزد شاغلان بخش دولتی و خصوصی در بازار نیروی کار شهری ایران: رهیافت تجزیه مبتنی بر مدل توییت با متغیر ابزاری». فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره ۲۰، صص ۴۳-۵۶.
۶. داودی، آزاده؛ محمود هوشمند و سیدسعید ملک‌الساداتی (۱۳۹۸)، «تحلیل تابع بقاء افراد تحت پوشش بیمه بیکاری در ایران (۹۷-۱۳۹۲)»، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۲۷-۱۵۷.
۷. دشت‌بزرگی، زهر؛ غلامرضا کشاورز، خسرو پیرایی، و هاشم زارع (۱۳۹۸)، «اثرات طول دوره بیکاری، بیمه بیکاری و مهارت آموزی بر دستمزد»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴، دوره ۵۴، صص ۹۹۳-۹۵۶.
۸. مانی، کامران (۱۴۰۰)، «رابطه مخارج بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بیمه بیکاری و رشد اقتصادی در ایران»، دوفصلنامه علمی، شماره ۲، صص ۲۷۹-۳۰۴.
۹. نعیمی، عمران و حمیدرضا پرتو (۱۳۹۳)، کتاب حقوق تأمین اجتماعی با تأکید بر حوزه بیمه‌ای، تهران: سمت.
10. Addison, J. T, & Blackburn, M.L. (2000), "The effects of unemployment insurance on post unemployment earnings", *Labour Economic*, 7:21-53.
11. Albanese, A; Ghirelli, C, & Picchio, M. (2020), "Timed to Say Goodbye: Does Unemployment Benefits Eligibility Affect Worker Layoffs?", *Labour Economics*, 65:1018-46.

12. Arnott, R & Stiglitz, JE (1990), *The welfare economics of moral hazard*, H.Louberge (ed) Risk, Information and Insurance, Essays in the Memory of Karl Borch, Kluwer Academic Publishers.
13. Caliendo, M., Tatsiramos, K., & Uhlendorff, A. (2013), "Benefit duration, unemployment duration and job match quality: a regression discontinuity approach", *Journal of applied econometrics*, 28(4), 604–627.
14. Chiappori, P. A., and B Salanie (2000), "Testing for asymmetric information in insurance markets", *Journal of political Economy*, 108(1): 56–78.
15. Chiappori, P.A., Jullien, B, Salanie, B & Salanie, F. (2005), "Asymmetric information in insurance: general testable implications", *RAND Journal of Economics*, Vol. 37, No. 4, pp. 783–98.
16. Ehrenberg, R., & Oaxaca, R.L. (1976), "Unemployment insurance, duration of unemployment, and subsequent wage gain", *American Economic Review*, Vol. 66, 754–766.
17. Hemenway, D. (1990), "Propitious selection in insurance", *Journal of Risk and Uncertainty*, Vol. 105, pp. 247–51.
18. Hoelen, A. (1977), "Effects of unemployment insurance entitlement on duration and job search outcome", *Industrial and Labor Relations Review*, Vol. 30, 445–450.
19. Jullien, B, Saline, B & Salanie, F. (2001), *Screening risk-averse agents under moral hazard*, IDEI Toulouse, Mimo.
20. Koufopoulos, K. (2004), *Asymmetric information, heterogeneity in risk perceptions and insurance: an explanation to a puzzle*, University of Warwick, Mimo.
21. Landais, C.; Nekoei, A.; Nilsson, P.; Seim, D.; & Spinnewijin, J. (2021), "Risk-Based Selection in Unemployment Insurance: Evidence and Implications", *American Economic Review*, 111(4). 1315–55.
22. Pieters. D. (2019), *Policy Choices Relating to Unemployment Benefit Schemes*, in Pieters, D. Navigating Social Security Options, Springer.
23. Rebollo-Sanz, Y. (2012), "Unemployment insurance and job turnover in Spain", *Labour Economics*, 19(3), 403–426.
24. Rothschild, M & Stiglitz, JE. (1976), "Equilibrium in competitive insurance markets: an essay on the economic imperfect information", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 90, No. 4, pp. 629–49.

25. Scarpetta, S. (1996), "Assessing the role of labour market policies and institutional settings on unemployment: A cross-country study", *OECD Economic studies*, 26(1), 43-98.
26. Schmieder, J.F., Wachter, T., & Bender, S. (2014), "The causal effect of unemployment duration on wages: Evidence from unemployment insurance extensions", *IZA Discussion Paper*, No. 8700.
27. Tatsiramos, K., & Van Ours, J. C. (2014), "Labor market effects of unemployment insurance design", *Journal of economic surveys*, 28(2), 284-311.
28. Winkelmann, R. (2014), "Unemployment". In A. C. Michalos (Ed.), *Encyclopedia of quality of life and well-being research*, (pp. 6766-6767). Holanda.

